



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



7 اکتوبر 2025

داکتر سید عبدالله کاظم

قابل توجه جناب داکتر صاحب نور احمد خالدي و دیگر هم نظران شان

(قسمت چهاردهم و اخير)

"سفارت فوق العاده" و موضوع شناسائی دیپلماتیک استقلال افغانستان

شناسائی دیپلماتیک افغانستان در سطح جهانی بعنوان یک دولت مستقل و دارای سیاست و اختیار مطلق یکی از اهداف عمده سیاست خارجی شاه امان الله بود که در همان روز اول سلطنت آنرا به صراحت بیان کرد. جنگ سوم افغان - انگلیس در سال 1919 و معاهده راولپنډی که جنگ را در عین سال پایان داد و معاهده صلح پایدار با برتانیه که در سال 1921 [در کابل] به امضا رسید، همه منتج به استقلال کامل افغانستان گردید و حق آنرا در اداره امور خارجی کشور کاملاً اعاده کرد، حق را که افغانستان بر طبق معاهده گندمک در سال 1879 در نتیجه جنگ دوم افغان - انگلیس به برتانویها واگذار کرده بود.

لودویک آدامک در ارتباط به لزوم شناسائی دیپلماتیک افغانستان به یک نکته مهم اشاره می کند و می نویسد: «برای حصول آزادی واقعی باید آزادی افغانستان توسط ملل جهان شناخته شود و نمایندگان کشورها در پایتخت افغانستان هر قدریکه خواسته باشند، حضور بهم رسانند تا روابط دیپلماتی افغانستان با ممالک خارج برقرار گردد. تثبیت این امر در آنوقت مشکل به نظر میرسد، زیرا تعداد زیاد ممالک جهان شک داشتند که برتانیه دست از افغانستان بردارد و آن را به خود مردم واگذار شود. بنابراین تنها ممالکی همسایه و همجوار که ضد برتانیه بوده و به افغانستان همدردی داشتند چون شوروی، ترکیه و ایران به کمال میل آزادی افغانستان را به رسمیت شناختند و خود را با افغانستان متحد ساختند. معیار موفقیت افغانستان نخست از همه در مساعیش در صحنه دیپلماتی بین المللی بود که این کشور نخواست و آزاد قابلیت تثبیت روابط دیپلماتیک را با کشورهای دور و به خصوص قدرتهای اروپائی حاصل کند.» (آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، پشاور، 1377، صفحه 84)

با این توضیح مختصر می خواهم توجه را در این نوشته به یک کتاب مهم دیگر جلب کنم که لیون پولادا - افغانستان شناس امریکائی در کتاب مشهور خود تحت عنوان «کشورهای افغانستان و ایالات متحده از سال 1828 تا 1973» نوشته است. او در فصل سوم (شناسائی دیپلماتیک) این کتاب راجع به تلاش های اعلیحضرت امان الله خان و حکومت او در جهت به رسمیت شناختن دولت مستقل افغانستان بوسیله بعضی از حکومت های اروپائی و امریکا به نکاتی تماس گرفته که مستقیم با موضوع استقلال افغانستان ارتباط دارد. در این نوشته می خواهم به اقتباس از بعضی نکات مهم این فصل بپردازم تا عینیت موضوع استرداد کامل استقلال کشور را به استناد یک مأخذ مهم دیگر برای خوانندگان عزیز که طالب معلومات بیشتر در زمینه باشند، واضح سازد. (پولادا، لیون و پولادا، لیلا: "کشورهای افغانستان و ایالات متحده از 1828 تا 1973"، مترجم: پوهاند غلام صفدر پنجشیری، 1999، ویرجینیا - فصل سوم - بخش یکم، از صفحه 46 تا 62)

پولادا می نویسد: «شناسائی دیپلماتیک افغانستان در سطح جهانی بعنوان یک دولت مستقل و دارای سیاست و اختیار مطلق یکی از اهداف عمده سیاست خارجی امان الله خان قرار گرفت، آنهم وقتیکه او متعاقب قتل پدرش امیر حبیب الله خان در سال 1919 به مقام امارت رسید. جنگ سوم افغان - انگلیس در سال 1919 و معاهده راولپنډی که جنگ را در عین سال پایان داد و معاهده صلح پایدار با برتانیه کبیر که در سال 1921 [در کابل] به امضا رسید، همه منتج به استقلال کامل افغانستان گردید و حق آنرا در اداره امور خارجی کشور بطور قطعی

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

اعاده نمود، حتی که افغانستان برطبق معاهده گندمک در سال 1879 در نتیجه جنگ دوم افغان - انگلیس به برتانویها واگذار کرده بود».

بتاریخ 27 مارچ 1919، هنوز جنگ با انگلیسها در سه جبهه ادامه داشت که حکومت بلشویکی روسیه به جواب نامه شاه امان الله پیام رسمی به حکومت افغانستان فرستاد و باشناخت رسمی استقلال کشور، خواهان برقراری مناسبات سیاسی و تجارتي گردید. شاه امان الله که منتظر چنین فرصت بود، فوراً به این پیام پاسخ مثبت داد و متعاقباً یک هیئت حسن نیت را بعنوان "سفارت فوق العاده" به ریاست محمد ولی خان نخست به تاشکند و از آنجا به مسکو اعزام نمود. بدینوسیله روابط بین روسیه و افغانستان با تبادل سفر برقرار گردید که در نهایت به تاریخ 28 فبروری 1921 منتج به عقد معاهده دوستی بین دولتین شد.

اعضای این هیئت در آغاز یازده نفر بودند، از جمله: فیض محمد خان ذکریا، عبدالهادی خان داوی، میرزا محمد خان یفتلی، عبدالرحمن خان لودی، محمدگل خان مومند، قاضی سیف الرحمن خان، عبدالحمید خان کمیدان، عزیز الرحمن خان، غلام جیلانی خان چرخ، خواجه هدایت الله خان، شیر احمد خان و بعضی دیگر که بعد از مواصلت به تاشکند و بخصوص پس از رسیدن به مسکو و افتتاح اولین نمایندگی سیاسی افغانستان در مسکو تعداد اعضای هیئت تقلیل یافت. (غبار: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، صفحه 788)



در این ارتباط پولادا می نویسد: «وقت هیئت به مسکو رسید، هم از طرف لینن و هم از طرف چیچرین - کمیسار امور خارجی با تشریفات کامل ملاقات گردید. شناسائی افغانستان علی الفور تعارف شد و رژیم بلشویک اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت. شورویها در این مقطع از تاریخ شان مایل بودند تا هیجان عمومی جدائی طلبان مسلمان را در امپراتوری آسیای مرکزی خود فرو نشانند و کشور های آسیائی را در مبارزه شان علیه برتانیه کبیر بجانب خود بکشانند. شناسائی فوری از طرف اتحاد شوروی اثر بسیار مساعدی بر افغانها بجا گذاشت».

هیئت بعد از مذاکرات طولانی با زعمای روسیه و برقراری مناسبات سیاسی بین دو دولت و توافق روی تبادل سفر، به سفر خود به کشورهای ترکیه، ایران، جرمنی، ایتالیا، فرانسه، امریکا و انگلستان ادامه داد. محمدولی خان و هیئت معیتی در طول این سفر موفق به برقراری روابط سیاسی آن کشورها با افغانستان و همچنان تبادل سفر شد، البته به استثنای امریکا که هیئت را به سردی پذیرائی کرد و انگلستان که هیئت را پذیرفت و اما از شناخت استقلال افغانستان طفره رفت.

هیئت در ادامه سفر به اروپا دچار بعضی مشکلات گردید که اساساً از موقف نامشخص برتانیه نشأت کرده بود. پولادا در زمینه می نویسد: «هیئت محمد ولی از مسکو سفر خود را بسوی پایتخت های عمده اروپا ادامه داد و نه تنها در جستجوی شناسائی بود، بلکه در بعضی موارد موافقت کرد تا قرارداد های تجارتي مناسب را با حکومت مختلف امضاء کند. در این ضمن شورویها هیئتی را به کابل فرستاده بودند تا درباره یک معاهده مؤدت و دوستی مذاکره کند. در عین زمان یک هیئت برتانوی از حکومت هند [تحت ریاست دابس] در کابل بود و کوشش میکرد تا یک معاهده صلح نهائی را عقد کند. در این موقع مذاکرات کابل با مشکلات زیاد مواجه شده بود، زیرا بین حکومت هند برتانوی و حکومت امپراتوری در لندن راجع به ماهیت و چگونگی معاهده اختلاف نظر قابل ملاحظه وجود داشت: حکومت هند برتانوی از روی واقعبینی احساس میکرد که باید استقلال کامل افغانستان را تصدیق کند و اما لندن به این نظر بود که افغانستان می بایست در داخل ساحه نفوذ برتانیه باقی بماند و از هرگونه نفوذ روسی آزاد باشد. «

پولادا می نویسد: «هیئت محمد ولی از مسکو سفر خود را بسوی پایتخت های عمده اروپا ادامه داد و نه تنها در جستجوی شناسائی بود، بلکه در بعضی موارد موافقت کرد تا قرارداد های تجارتی مناسب را با حکومت های مختلف امضا کند. در این ضمن شورویها هیئتی را به کابل فرستاده بودند تا درباره یک معاهده مؤدت و دوستی مذاکره کند. در عین زمان یک هیئت برتانوی از حکومت هند در افغانستان بود و کوشش میکرد تا یک معاهده صلح نهائی را در کابل عقد کند. مذاکرات ایشان به پیچدگی ها برخورد کرده بود [به این ترتیب] که راجع به ماهیت و چگونگی معاهده میان حکومت هند برتانوی و حکومت امپراتوری در لندن عدم موافقت قابل ملاحظه وجود داشت: اولی از روی واقعبینی احساس میکرد که باید استقلال کامل افغانستان را تصدیق کند و سیاست دیکته شده از جانب لندن را مبنی بر اینکه افغانستان می بایست در داخل ساحه نفوذ برتانیه باقی بماند و از هر گونه نفوذ روسی آزاد باشد، کم اهمیت جلوه دهد. این امر باعث شد که مذاکرات در کابل بیش از آنچه لازم بود، به درازا بکشد. در این ضمن لندن چنان موضع گیری کرد که کشورهای دیگر باید از شناسائی استقلال افغانستان خودداری نمایند تا معاهده نهائی افغان - انگلیس به اتمام برسد. بنابراین هنگامیکه برتانیه اطلاع یافت که ایتالیا در شرف امضای یک قرارداد در زمینه روابط تجارتی و قونسلی با افغانستان میباشد، وزارت خارجه برتانیه به حکومت ایتالیا احتجاج کرد. در احتجاج ذکر شده بود که برتانیه در شرف تکمیل موافقتنامه ای با افغانستان است که "نفوذ سیاسی برتر و حاکم برتانیه را در آن کشور تصدیق" خواهد کرد».

پولادا خاطر نشان می سازد که: «در اثنای مذاکره برای معاهده 1921 افغان - انگلیس، لندن از اعطای لقب "اعلیحضرت" به امان الله خان امتناع ورزید. آنها همچنان به نماینده جدید خود در هند اطلاع دادند که با وجود ادعای استقلال از طرف افغانستان، هیچ تغییری در وظایف وی روی نخواهد داد. افغانها توقع داشتند که نمایندگانی با لندن مبادله کنند، اما برتانوی ها در ابراز موافقت لازم قصداً امروز و فردا کردند و ارسال یک نماینده وزارت خارجه را به حیث وزیر مختار به کابل به تعویق انداختند. در مذاکرات مربوط معاهده کابل بجای آنکه ماموری از لندن فرستاده میشد، برعکس از طرف سکرتر امور خارجه هند برتانوی "سر هنری دابس" ریاست هیئت را بعهده داشت. امان الله خان راساً نامه ای به پادشاه برتانیه فرستاد و او را به حیث یک سلطان و یک برادر خطاب کرد، ولی پادشاه برتانیه جورج پنجم هرگز به این نامه پاسخ نداد».

پولادا درباره دیدار هیئت افغانی به ریاست محمد ولی خان در لندن با وزیر خارجه برتانیه "لاردر کرزن" در اگست 1921 که پس از سفر واشنگتن صورت گرفت، می نویسد: «از این پیش فهمیده شده بود که [هیئت افغانی] بجای قایلین سرخ با پذیرائی سردی مواجه خواهد گردید. محمد ولی خصوصت برتانویها را باید متوقع بوده باشد، زیرا او از پاریس سرراست به واشنگتن رفته و دیدارش را در لندن به آخر گذاشته بود. لاردر کرزن هنگامیکه نائب السلطنه هند بود، یکی از مخالفان سرسخت استقلال افغانستان بشمار میرفت. وقتیکه محمد ولی با او دیدار مختصر بعمل آورد و کوشش نمود تا درباره پیشرفت مذاکرات کابل گفتگو کند، به وی بطور کوتاه و تند اطلاع داده شد که این موضوعی است موقوف به مذاکره کنندگان که درباره آن در کابل تصمیم بگیرند. بعد از آن محمد ولی خواستار باریابی بحضور پادشاه جورج پنجم شد تا نامه شخصی امان الله خان را به وی تقدیم نماید. کرزن به او گفت که باید این تقاضا را از "دفتر هند" بکند. محمود طرزی وزیر خارجه افغان در کابل احتجاج خشم آلودی به "سر هنری دابس" که هنوز نماینده برتانوی در مذاکرات بود، نوشت».

پولادا در مورد دیدار هیئت افغانی در واشنگتن می نویسد: «بی میلی برتانیه در پذیرش واقعیت استقلال افغانها موقف رسمی امریکائی ها را در برابر کوشش افغانستان برای حصول شناسائی سخت زیر تأثیر گرفت.... اما توقعات هیئت محمد ولی برای یک پذیرائی بسیار مساعد امریکائی خیلی زیاد بود و انتظار داشتند که به حیث نمایندگان یک کشور تازه به استقلال رسیده با گرمجوشی استقبال خواهند شد و ظاهراً حتی آرزوی ترتیب نوعی کمک تخنیکی و امتیازات تجارتی را داشتند که افغانستان را قادر خواهد کرد منابع تجارتی خود را متنوع سازد و در اثر آن انحصار هند برتانوی را درهم شکند».

اما اینطور نشد، چنانچه پولادا می نویسد: «وقتی محمد ولی در پاریس بود، با سفیر امریکا دیدار مختصر نمود تا به او اطلاع دهد که وی به عنوان نماینده خاص افغانستان حامل نامه از وزیر خارجه افغانستان عنوانی وزیر خارجه امریکا بوده است و اظهار داشت که قصد دارد به واشنگتن برود تا استقلال افغانستان را اعلام و مناسبات

دوستانه برقرار سازد. اما پیش از پذیرفتن محمد ولی، سفیر امریکا "والس کمبل" به سفیر برتانیه در فرانسه "لارد هاردنگ" تلفون کرد تا تمایل فکری حکومت برتانیه را نسبت به هیئت افغانی معلوم نماید. سفیر برتانیه گفت که حکومت برتانیه فعالیت‌های این هیئت یا مساعی آنرا در انعقاد موافقتنامه‌ها با دیگر حکومت‌ها به چشم رضا و قبول نمی‌بیند و علاوه کرد که: ما افغانستان را اگرچه به ظاهر مستقل است، هنوز بعنوان کشوری می‌شناسیم که اندرون حوزه نفوذ سیاسی ما بوده و ما علاقمندیم از هر اقدامیکه بعدم دلبستگی ما به روابط خارجی آن کشور دلالت کند، جلوگیری نماییم. حقیقت امر اینست که ما امیدواریم رابطه بسیار نزدیکتری را با افغانستان در آینده قریب آغاز کنیم».

پولادا اذعان میدارد: «این پاسخ چنانکه به واشنگتن گزارش داده شد، بدون شک در پذیرائی سرد هیئت محمد ولی در ایالات متحده بی‌تأثیر نبود. مع الوصف وقتی هیئت در 12 جولای 1921 به واشنگتن مواصلت کرد، وزارت خارجه آن کشور ترتیب تعارفات معمول گمرکی را در بندر نیویارک گرفت و قرار ملاقات با وزیر خارجه "چارلس هیوز" گرفته شد.... هیوز در 20 جولای 1921 با محمد ولی و هیئت او ملاقات کرد؛ محمد ولی نامه وزیر خارجه افغان محمود طرزی را به او تقدیم نمود که در آن ابراز آرزومندی برای برقراری مناسبات دوستانه میان افغانستان و ایالات متحده شده بود. بطور شفاهی محمدولی بر استقلال افغانستان و تمایل آن جهت برقراری روابط دیپلماتیک و تجارتی تأکید گذاشت. هیوز در جواب گفت که او از هیئت نمایندگان حسن استقبال میکند، اما تأسیس روابط دیپلماتیک موکول به فیصله کانگرس است. بنابراین او نمیتواند پاسخی به درخواست محمد ولی در این وقت بدهد». پولادا تصریح میکند که: «این پاسخ مدتها طفره آمیز و عاری از خلوص نیت بود، زیرا هیچ مقررات قانونی وجود ندارد که تأسیس یک پوست دیپلماتیک را به حیث شرط قبلی شناسائی دیپلماتیک لازمی داند».

بهرحال طوریکه پولادا می‌نویسد: «هیوز در آخر به نامه ای طرزی کتباً پاسخ داد و برای عدم توافق بر تأسیس روابط دیپلماتیک عاجل عین عذر را آورد و اما برای هیئت زمینه ملاقات با "هاردنگ" رئیس جمهور ایالات متحده را که برایش از روی احتیاط مشوره داده بودند که کاری نکند که تمایل افغانها را به شناسائی تشویق نماید، فراهم ساخت. محمد ولی نامه ای از جانب امیر امان الله خان را به رئیس جمهور "هاردنگ" تقدیم کرد. در این نامه امیر امان الله خان جلوس خود را بر تخت سلطنت اعلان و تمایل صادقانه خویش را برای برقراری روابط دوستانه پایدار میان افغانستان و حکومت ایالات متحده ابراز نموده بود. رئیس جمهور از هیئت اعزامی حسن استقبال کرده و توضیح نمود که امکان تأسیس یک دفتر دیپلماتیک بدون فیصله کانگرس میسر نیست. پس‌انتر هاردنگ نامه ای به عین مفهوم به امان الله خان نوشت».

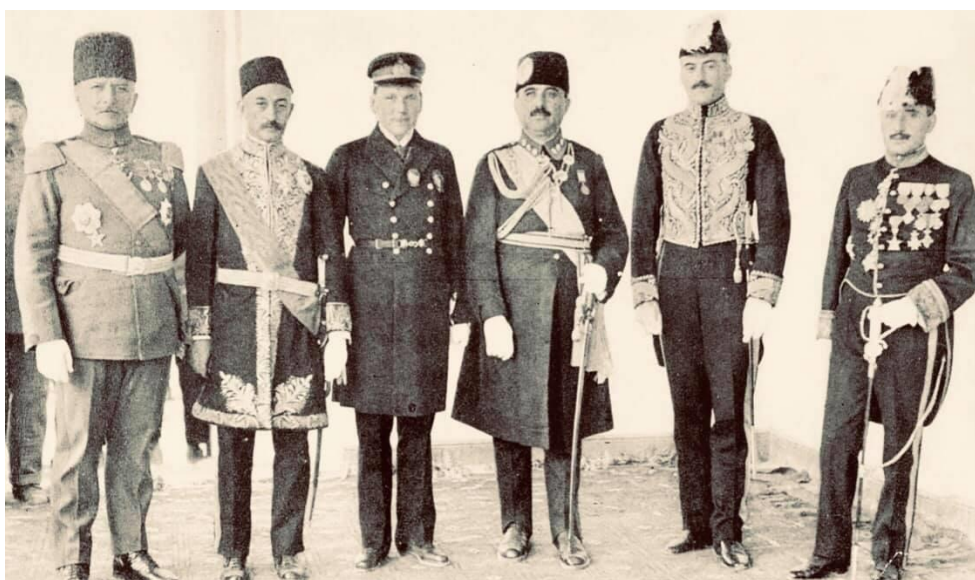
پولادا می‌افزاید: «معهدا خودمانی سیاستمداران گرم و طبیعی که هاردنگ در جریان گفتگو از خود نشان داد، از طرف محمد ولی به حیث پذیرفتن استقلال افغانستان تلقی گردید و مسئله برقراری روابط دیپلماتیک بعنوان یک مانع قانونی صرف تخنیکی انگاشته شد که ایالات متحده در موقع مناسب آنرا برطرف خواهد کرد.... بهرحال تجارب بعدی در خصوص اینکه آیا ایالات متحده در واقع افغانستان را به رسمیت شناخته بود یا خیر، سردرگمی زیادی را ببار آورد و سرانجام رشته روابط واقعاً گره خورده و جر گردید».

هیئت افغانی به ریاست محمدولی خان پس از سفر واشنگتن به لندن رفت و با وزیر خارجه برتانیه "لارد کرزن" در اگست 1921 ملاقات کرد. کرزن هنگامیکه نائب السلطنه هند بود، یکی از مخالفان سرسخت استقلال افغانستان بشمار میرفت. پولادا می‌نویسد: «وقتی که محمد ولی خان با او دیدار مختصر بعمل آورد و کوشش نمود تا درباره پیشرفت مذاکرات کابل گفتگو کند، به او بطور کوتاه و تند اطلاع داده شد که این موضوعی است موکول به مذاکره کنندگان که درباره آن در کابل تصمیم بگیرند. بعد از آن محمد ولی خواستار باریابی بحضور پادشاه جورج پنجم شد تا نامه شخصی امان الله خان را به وی تقدیم نماید. کرزن به او گفت که باید این تقاضا را از "دفتر هند" بکند. محمود طرزی وزیر خارجه افغان در کابل احتجاج خشم آلودی به "سرهنری دابس" که هنوز نماینده برتانوی در مذاکرات بود، نوشت: «(برای شرح مزید دیده شود: پولادا، لیون و پولادا، لیل): "کشورشاهی افغانستان و ایالات متحده از سال 1828 تا 1973"، مترجم: پوهاند غلام صفدر پنجشیری، 1999، ویرجینیا - فصل سوم - بخش یکم، از صفحه 46 تا 62)

به همین ترتیب هیئت افغانی از سپتامبر 1921 تا مارچ 1922 دوبار از پاریس، برلین و روم دیدن کرد و به اعزاز و اکرام پذیرائی شدند و در اپریل 1922 حین بازگشت به پاریس پیمان مودت بین افغانستان و فرانسه عقد گردید که در نتیجه این سفر دوساله و زحمات فراوان بالاخره افغانستان با اتحاد شوروی، ایران، ترکیه، ایتالیا و فرانسه و همچنان یک تعداد کشورهای دیگر پیمانهای دوستی امضاء کرد و آن کشورها با افغانستان به تبادل نمایندگان سیاسی پرداختند.

دست آورد این سفر برای شناخت رسمی استقلال کشور یک قدم عمده و بزرگ محسوب میشود و در نتیجه همین سفر بود که انگلیس ها چاره ای نداشتند، جزء اینکه بعد از سه دوره مذاکرات طولانی در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفتند و مجبور به شناخت استقلال کامل افغانستان گردیدند. هیئت "سفارت فوق العاده" بعد از سپری کردن جمعا در حدود سه سال با وجود کارشکنی های دولت برتانیه با دست آورد بسیار بزرگ یعنی کسب شناسائی رسمی تعدادی از کشورهای اروپائی از استقلال کامل افغانستان و برقراری روابط سیاسی با آنها بتاریخ 11 جوزا 1301 ش (31 می 1922) موفقانه به کابل مراجعت کرد.

ناگفته نماند که یکی دیگر از دست آورد های این هیئت همانا برقراری روابط فرهنگی و تجاری بین افغانستان و کشورهای بزرگ اروپائی بود که برای اولین بار در تاریخ کشور رویدست گرفته شد. هیئت مذکور از شاه امان الله هدایت گرفته بود تا در جوار مذاکرات خود با دول متحابه در ساحه روابط سیاسی به ایجاد روابط فرهنگی و تجارتی نیز بپردازد. هیئت بر طبق این دستور، آرزومندی دولت مستقل افغانستان را با طرف مذاکره کننده نیز ابراز میکرد و میخواست تا: شاگردان افغان را در مکاتب و مؤسسات تحصیلات عالی بپذیرند، به تأسیس مکاتب و لیسه ها در افغانستان بپردازند، افغانستان را با اعزام انجیران، تکنیشن ها و معلمان و همچنان با تهیه ماشین آلات و ضرورت های صنعتی مورد نیاز کمک نمایند و در انکشاف اقتصادی کشور بخصوص در ساحه معادن و تقویه صنایع، این کشور نو به پا خاسته را یاری رسانند. کشورهای ایتالیا و فرانسه طی این مذاکرات آمادگی خود را فوری ابراز داشتند و اما جرمنی به دلیل مشکلات ناشی از جنگ جهانی اول که دچار بعضی محدودیت های سیاسی گردیده بود، ظاهراً با تأنی به این درخواست های هیئت جواب داد، اما وعده سپرد که آن کشور تا حد ممکن از هیچ نوع کمک در موارد فوق دریغ نخواهد کرد.



از راست به چپ: سفیر ایتالیا؛ سفیر برتانیا (همفریز)؛ محمد ولی خان وزیر خارجه؛ براوین سفیر شوروی
سوسیالیستی روسیه فدراتیف؛ عطاالملک سفیر ایران؛ فخری پاشا سفیر ترکیه

دست آورد بزرگ این هیئت در جوار کسب شناسائی استقلال کامل کشور، تحقق یکی دیگر از آرزوهای دیرینه شاه امان الله غازی همانا تبادله علمی و فرهنگی بین افغانستان و دیگر ممالک پیشرفته بود که در حقیقت بار اول

در تاریخ کشور به ظهور پیوست. بر طبق توافقات و تفاهات فوق در ساحه فرهنگی و معارف، اعزام یک تعداد شاگردان مکتب حبیبیه به فرانسه و جرمنی در قدم اول و سپس اعزام عده ای از افسران جوان به ایتالیا، روسیه و ترکیه صورت گرفت که تحول بزرگی را برای آینده کشور در قبال داشت، اما با تأسف اکثر این نونهال ها وقتی به ثمر رسیدند که باغبان این باغ از حاصل و ثمر نهال های دست پرورده ای خود بی نصیب و مجبور به ترک وطن شده بود و حاصل آن در دامن نظام بعدی ریخته شد که در مجموع باز هم در خدمت وطن و مردم قرار گرفتند.

اکنون با شرح مختصری که طی این چهارده قسمت بیان گردید، جای هیچ شک و تردید باقی نمی ماند که استرداد استقلال کامل افغانستان "افسانه" نبوده، بلکه یک واقعیت مسلم تاریخی و غیر قابل انکار است که در قدم اول با اعلام جهاد در سه جبهه آغاز گردید و با یک اقدام نظامی موفق در محاذ جنوبی به سرگردگی سپه سالار محمد نادر خان پیشرفت کرد و با پیشنهاد متارکه از طرف انگلیس ها و قبولی آن از طرف شاه امان الله غازی عملیه طولانی و دشوار سیاسی طی سه دوره مذاکره بین هیئت های افغانی و هند برتانوی در راولپندی، مسیوری و کابل ادامه یافت و در عین زمان با اعزام هیئت سفارت سیار افغانی به کشورهای آسیائی، اروپائی و امریکا و برقراری روابط سیاسی با تعدادی از کشورهای استقلال افغانستان از جانب بسیاری آنها به رسمیت شناخته شد و در نهایت با عقد معاهده 1921 در کابل، سپیده دم عصر جدید در افق تاریخ افغانستان پدیدار گشت.

اینکه پس از استرداد استقلال کامل کشور و ایجاد روابط سیاسی، فرهنگی و تجارتی با سایر کشورهای جهان چه تحولات عمیق در ساختمان کلی جامعه در ساحات مختلف پا بعرضه وجود گذاشت و افغانستان تحت قیادت یک پادشاه مدبر بسوی تمدن جاری جهان رهنمون شد، موضوع بحث جداگانه است که باید هر بخش آن با تفصیل مزید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد و تا جائیکه از توان این قلم بدرآید، چنانچه تاحال صرف مساعی در نوشتن همچو آثار بعمل آمده است، در صورت بقای عمر- انشاءالله و تعالی - از هیچ نوع تلاش بعدی نیز دریغ نخواهد شد.

در پایان در حق همه کسانی که در راه اعاده مجدد استقلال کشور از جان گذشته و نیز کسانی که در این راه مجاهدت و تلاش نموده و بیرق پر افتخار استقلال را برافراشته اند، اتحاف دعا کرده یاد شان شانرا گرامی و روح شانرا را قرین رحمت الهی میخوانم.

(پایان این سلسله مقالات)

با توکل به ذات اقدس الهی کوشش میشود تا این سلسله مقالات با ایزاد مطالب بیشتر به شکل یک کتاب مستقل تحت عنوان "افغانستان از تهاجم قوای انگلیس تا تحت الحمایگی و استرداد استقلال کامل" بزودی تدوین گردد و یک کاپی آن برای قاموس کبیر افغانستان - آرشیف کتابخانه حبیبیه - تقدیم و بدسترس علاقمندان تاریخ کشور قرار گیرد.

داکتر سید عبدالله کاظم
سن هوزه - کالیفورنیا
مورخ 7 اکتوبر 2025

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم